



نقش تقصیر در ایجاد مسئولیت نسبت به جبران خسارت



اسماعیل بخشی‌زاده، کارشناس ارشد حقوق خصوصی، وکیل پایه یک دادگستری
خلیل قربانزاده، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی

چکیده

نظریه تقصیر از مسائلی است که به لحاظ عدم صراحت قوانین و مقررات مربوط از یک سو و قانون‌گذاری‌های مشتت و پراکنده از سوی دیگر، همواره مورد اختلاف حقوق‌دانان بوده است، به گونه‌ای که هنوز نظر قطعی در خصوص مفهوم تقصیر و همچنین نقش آن در تحقق مسئولیت مدنی در حقوق ایران وجود ندارد. با وجود این، تقصیر به عنوان مبنای عمده مسئولیت مدنی در حقوق بسیاری از کشورهای اروپایی؛ از جمله حقوق انگلیس پذیرفته شده است. در این مقاله با بهره‌گیری از مقررات قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی و سایر مقررات مرتبط با موضوع و همچنین نظریات اساتید برجسته حقوق به بررسی نظریه تقصیر در حقوق ایران خواهیم پرداخت و به فراخور بحث اشاره‌ای هم به حقوق انگلیس خواهیم داشت.

واژگان کلیدی: تقصیر، مسئولیت مدنی، مسئولیت، خسارت، متعارف



درآمد

اصل طبیعی در زندگی انسان آن است که تنها کسی باید مسئولیتی برای جبران بپذیرد که در رفتار خود از معیارها و حالت متعارف خارج شود والا اگر کسی رفتاری معمولی و در چارچوب ضوابط دارد، نمی‌توان مسئولیتی را به عهده او قرار داد؛ به عبارت دیگر، همواره «تقصیر»، شرط اصلی مسئولیت بوده است. البته این سخن بدان معنا نیست که در حال حاضر این قاعده، تنها قاعده مسئولیت مدنی است بلکه منظور آن است که مبنای تقصیر، بنیان اصلی در شکل‌گیری مباحث مسئولیت مدنی است که در کنار آن قواعد خاص دیگری نیز ایجاد شده است. صرف‌نظر از نقش تقصیر به عنوان ضابطه اصلی مسئولیت، باید توجه داشت که درک مفهوم تقصیر به طور یکسان نیست. برخی تقصیر را با ملاک شخصی و ذهنی درک می‌کنند و گروهی دیگر این ضابطه را با معیارهای نوعی و عینی قابل ادراک می‌دانند (مدنی، ۱۳۹۲: ۹۹). تفاوت بین این دو معیار در بسیاری از مباحث حقوقی، منشأ تفاوت در احکام و آثار مسئولیت حقوقی شده است. مقصود از تقصیر با ملاک شخصی و ذهنی آن است که در ایجاد مفهوم و مصداق تقصیر، وضع شخص مقصر اهمیت دارد. از این‌رو، عنوان تقصیر به وسیله شخص مقصر احراز می‌شود؛ بنابراین مقصر کسی است که از نظر ویژگی‌های شخصی و ادراکی بتواند تقصیر کند والا نمی‌توان گفت چنین شخصی تقصیر کرده است؛ به عنوان مثال، بر اساس نظریه تقصیر به مفهوم شخصی مجنون نمی‌تواند تقصیر کند (ره‌پیک، ۱۳۹۰: ۲۷).

در مقابل، ممکن است تقصیر با ملاک نوعی و عینی درک شود. مقصود از این ملاک آن است که تقصیر صرف‌نظر از شخص مقصر، یک رفتار نوعی است که در آن خروج از معیارها و عمل متعارف مدنظر می‌باشد. در واقع، در این نظریه به تقصیر بیش از مقصر توجه می‌شود. اگر عینیت یک رفتار بدون آنکه در حالات ذهنی و روانی فاعل آن جستجو شود مورد توجه قرار گیرد و آن رفتار، رفتاری بیرون از ضوابط نوعی باشد باید آن را تقصیر دانست. بر اساس این نظریه اگر مجنون به دیگری خسارت وارد کند می‌تواند مقصر و در نتیجه مسئول تلقی شود. قانون مدنی در مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ به تبیین مفهوم تقصیر پرداخته است که بررسی این مواد حاکی از این است که در نظام حقوقی ایران، تقصیر به مفهوم نوعی مورد پذیرش قرار گرفته است. ماده ۹۵۳ این قانون تقصیر را چنین تعریف می‌کند: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی». برابر ماده ۹۵۱: «تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری». ماده ۹۵۲ نیز تفریط را تعریف می‌کند: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است». در هر حال باید میل به ملاک نوعی را مطابق با قواعد دانست؛ زیرا در مسئولیت مدنی موضوع و هدف اصلی جبران خسارت زیان‌دیده است نه مجازات فاعل زیان؛ بنابراین باید ملاک نوعی و عینی را ترجیح داد و همان‌طور که در اتلاف، صغیر و مجنون ضامن می‌باشند در تسبیب نیز باید مسئولیت

آنها را تأیید کرد؛ چرا که در ماهیت این دو قاعده؛ یعنی اتلاف و تسبیب تفاوت اساسی وجود دارد. بدین ترتیب، در این مقاله به طور عمده در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که تقصیر چیست و چه نقشی در تحقق مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران دارد؟

۱- مفهوم تقصیر

تقصیر در مفهوم سنتی خود عبارت است از رفتاری که از نظر اخلاقی قابل سرزنش باشد. بر این اساس مباشر خسارت، هنگامی ملزم به پرداخت خسارت می‌شود که رفتار وی اخلاقاً ناشی از تقصیر باشد؛ در غیر این صورت ضمانی بر عهده او نیست (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ۲۹).

مطابق مفهوم اخلاقی تقصیر، تنها افعالی تقصیر محسوب می‌شود که فاعل آن قدرت درک زشتی فعلش را داشته باشد. در حالی که وفق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی صغیر و مجنون هم می‌توانند بر اساس تقصیر مسئول شناخته شوند. از این‌رو، تقصیر مفهوم نوعی یافته است؛ بدین معنی که تجاوز از رفتار متعارف ملاک تقصیر است.

قانون مدنی در مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ به تبیین مفهوم تقصیر پرداخته است. ماده ۹۵۳ این قانون تقصیر را چنین تعریف می‌کند: «تقصیر اعم است از تفریط و تعدی». برابر ماده ۹۵۱: «تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری». ماده ۹۵۲ نیز تفریط را تعریف می‌کند: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است».



۲-۱- تقصیر عام و خاص

نقض تعهدات عمومی و کلی، تقصیر عام یا عمومی تلقی می‌شود؛ به طور مثال هر کس موظف است به طور متعارف رفتار کند یا به عبارتی، تعدی و تفریط نکند؛ یعنی هر کس یک سری تعهدات عمومی بر عهده دارد که نقض آنها، تقصیر عام یا عمومی تلقی می‌شود؛ اما نقض یک تعهد خاص، تقصیر خاص محسوب می‌گردد؛ به طور مثال رعایت چراغ قرمز، یک تعهد خاص است و چنانچه کسی از چراغ قرمز عبور کند مرتکب تقصیر خاص شده است. احراز این نوع تقصیر نسبت به تقصیر عام که نیاز به تفسیر و ارزیابی دارد، به مراتب آسان است (ره پیک، ۱۳۹۰: ۲۸).

نمونه دیگر مجتمع آپارتمانی است که در آن نیز هر دو نوع تقصیر مزبور قابل تحقق است. به این صورت که تمام ساکنین و مدیران ساختمان به عنوان عضوی از یک جامعه موظف هستند که به طور متعارف رفتار کنند، برای سایرین ایجاد مزاحمت ننمایند و تکالیفی از این دست که برای همه افراد یک جامعه مقرر شده است و هر کس این تکالیف را نقض کند مرتکب تقصیر عام شده است. با این وجود، یک سری تکالیف خاص به موجب قانون تملک آپارتمان‌ها و سایر مقررات مرتبط با آن، فقط برای مالکین یا ساکنین و یا مدیران ساختمان مقرر شده است که نقض آنها، تقصیر خاص محسوب می‌شود؛ به عنوان مثال، مطابق ماده ۱۴ قانون تملک آپارتمان‌ها، مدیر یا مدیران مکلفاند تمام بنا را به عنوان یک واحد در مقابل آتش‌سوزی بیمه نمایند. بدیهی است که اگر مشارالیه

از طریق عنوان مقصر احراز می‌گردد. بر اساس این نظر، تنها افعالی تقصیر محسوب می‌شود که قابل انتساب به شخص باشد، لذا اشخاصی مانند مجنون و صغیر غیر ممیز که قدرت درک زشتی فعلشان را ندارند، مقصر شناخته نمی‌شوند (ره پیک، ۱۳۹۰: ۲۶ و ۲۷). به دلیل اینکه بر مبنای تقصیر به مفهوم شخصی بسیاری از ضررها جبران نشده باقی می‌ماند، این مفهوم با انتقادهای شدیدی روبرو شد و امروزه اعتبار آن به کمترین میزان خود رسیده است (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۶).

۲-۱- تقصیر به مفهوم نوعی

مقصود از تقصیر بدین مفهوم آن است که تجاوز از رفتار متعارف ملاک تقصیر است نه وضع شخصی مقصر. در واقع، عملی تقصیر محسوب می‌شود که مرتکب رفتاری داشته باشد برخلاف رفتار یک فرد متعارف که در همان شرایط و اوضاع خارجی قرار گرفته باشد. بر این اساس، جهت احراز تقصیر، عمل شخص بدون توجه به وضعیت روانی او با عمل یک فرد متعارف مقایسه می‌شود؛ بنابراین صغیر غیر ممیز و مجنون نیز می‌تواند مقصر محسوب گردد. به هر حال مفهوم نوعی تقصیر مطابق با قواعد بوده و با قانون مدنی ایران نیز سازگار است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۷۶). شایان توجه است که در تقصیر به مفهوم نوعی، اساس مسئولیت ضرر است نه تقصیر (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۷).

۲-۱- اقسام تقصیر

تقصیر از جهات مختلف قابل تقسیم می‌باشد که به طور خلاصه می‌توان به برخی از مهم‌ترین تقسیمات تقصیر اشاره کرد.

بعضی از حقوق‌دانان بر اساس مواد مذکور در مقام تعریف تقصیر آورده‌اند: «تقصیر عبارت است از انجام دادن عملی که شخص نباید مرتکب شود (تعدی) یا ترک عملی که شخص باید انجام دهد (تفریط)» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). همچنین گفته شده: «تقصیر عبارت است از: تعدی و تجاوز از حدود اذن و متعارف نسبت به حق یا مال دیگری و تفریط در کاری که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ حق یا مال غیر، لازم است؛ به عبارت دیگر تقصیر، تعدی و تفریط از رفتار انسان متعارف (در همان شرایط و اوضاع و احوال خوانده وقوع حادثه است)؛ یعنی کاری که نباید انجام گیرد یا عدم انجام کاری که باید عرفاً انجام می‌گرفت. پس هر فعل یا ترک فعل غیر متعارف که خلاف قوانین و مقررات قانونی یا عرفی باشد تقصیر است و در آن، عنصر نوعی رفتار ملاک است نه عوامل ذهنی و معیار مقایسه نیز شخص متعارف هم‌شان زیان زننده در همان شرایط وقوع حادثه در انجام فعل زیان‌بار است» (داراب پور، ۱۳۸۷: ۶۵ و ۶۶).

بالاخره در تعریف تقصیر چنین بیان شده: «تجاوز از رفتاری است که انسانی معقول و متعارف در همان شرایط حادثه دارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۴۶). به طور کلی با توجه به مفهوم سنتی و جدید تقصیر، می‌توان گفت تقصیر دارای دو مفهوم است، تقصیر به مفهوم شخصی، تقصیر به مفهوم نوعی.

۱-۱- تقصیر به مفهوم شخصی

منظور از تقصیر به مفهوم شخصی آن است که وضع شخص مقصر ملاک تقصیر است. از این‌رو، عنوان تقصیر



به این تکلیف عمل نمایند مرتکب تقصیر خاص شده و در صورت بروز آتش سوزی مسئول جبران خسارت وارده می باشند.

۲-۲- تقصیر عمدی و غیر عمدی

تقصیر وقتی عمدی است که شخص با سوءنیت و به قصد اضرار به دیگران مرتکب آن شود. به بیان دیگر در تقصیر عمدی، هم عمل ناشایسته به عمد انجام می شود و هم نتیجه حاصل از آن کار مقصود مرتکب است. برعکس در تقصیر غیر عمدی، قصد زیان زدن به دیگری وجود ندارد، ولی در نتیجه غفلت و سهل انگاری به دیگری ضرر می رسد. با اینکه در هر دو تقصیر مسئولیت مستقر می گردد و از این لحاظ فرقی بین آنها نیست، ولی در تقصیر غیر عمدی یک سری امتیازاتی لحاظ می شود که در تقصیر عمدی وجود ندارد؛ به طور مثال، خسارت ناشی از بی احتیاطی و غفلت مشمول تعهدات بیمه قرار می گیرد، اما بیمه برای خسارت عمدی تعهد نمی کند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۶۰؛ ره پیک، ۱۳۹۰: ۲۹).

۲-۳- تقصیر سبک و سنگین

مقصود از تقصیر سبک، تقصیر غیر عمد و متعارف می باشد، ولی تقصیر سنگین مفهومی میانه تقصیر عمدی و غیر عمدی است؛ زیرا در عین حال که نتیجه مقصود مرتکب نیست، ولی احتمال اضرار بالاست. تقصیر خواه سبک باشد خواه سنگین، مسئولیت در هر حال مستقر می گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۵۵).

در کامن لایز که تقصیر یک نوع رفتار غیر متعارف محسوب می شود و معیار تقصیر یا بی تقصیری رفتار یک شخص متعارف است؛ درجه تقصیر و اثر آن در

مسئولیت، هر چند مدافعانی دارد، ولی از سوی اکثر دادگاه ها مردود اعلام شده است (Prosser, 1971: 180).



تقصیر به مفهوم شخصی، آن است که وضع شخص مقصر ملاک تقصیر است. از این رو، عنوان تقصیر از طریق عنوان مقصر احراز می گردد. بر اساس این نظر، تنها افعالی تقصیر محسوب می شود که قابل انتساب به شخص باشد، لذا اشخاصی مانند مجنون و زشتی فعلشان را ندارند، مقصر شناخته نمی شوند.



به هر حال می توان گفت که در حقوق ایران علی الاصول درجه تقصیر در میزان مسئولیت بی تأثیر است، ولی این بدان معنا نیست که حقوق ما به کلی نسبت به این مسئله بی اعتنا است؛ زیرا در مواردی درجه تقصیر در میزان خسارت مؤثر دانسته شده است؛ به عنوان مثال بند دو ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی به دادگاه اجازه داده است تا در صورتی که وقوع خسارت ناشی از غفلت قابل اغماض بوده و جبران آن موجب تنگدستی زیان زننده باشد، در میزان خسارت تخفیف دهد و یا مطابق ماده ۳۹۱ قانون تجارت، هرگاه مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود، دیگر بر متصدی حمل و نقل دعوا پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده (سنگین) که دعوا علیه مشارالیه پذیرفته می شود (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۴۲).

۳- نظریه تقصیر اشتراکی دلیل بر پذیرش نظریه تقصیر

مقصود از تقصیر مشترک زیان دیده، اشتراک نامبرده در حادثه زیان بار است. به تعبیر دیگر، در این صورت حادثه ناشی از فعل مشترک زیان دیده و مرتکب فعل زیان بار می باشد. در این مورد برای توزیع و تقسیم مسئولیت، راه حل های متفاوتی اتخاذ شده است. بعضی معتقدند هرگاه خطا و تقصیر زیان دیده، عمدی بوده و تقصیر خوانده غیر عمدی باشد، خطای او خطای خوانده را در بر می گیرد و مسئولیت خوانده به دلیل زایل شدن رابطه سببیت، منتفی می شود؛ مانند اینکه زیان دیده به قصد خودکشی خود را عمداً جلوی اتومبیلی که با سرعت غیرمجاز در حال حرکت است بیندازد، در این صورت خطای عمد، مانع تأثیر خطای راننده می شود و نامبرده به دلیل از بین رفتن رابطه سببیت، مسئولیتی نخواهد داشت (کاتوزیان و سایرین، ۱۳۸۰: ۴۲۱).

در حقوق انگلیس، بر اساس بند یک ماده ۱ قانون اصلاحی تقصیر اشتراکی سال ۱۹۴۵، هرگاه کسی متحمل خسارتی شود که تقصیر خود او نیز در ایجاد خسارت سهمی داشته باشد، دعوی مطالبه خسارت به دلیل تقصیر زیان دیده رد نمی شود، بلکه تا حدی که دادگاه آن را عادلانه و متناسب با تقصیر خواهان تشخیص دهد، زیان قابل مطالبه خواهد بود (Harpwood, 2004: 414). البته گاهی تقصیر خواهان نادیده گرفته می شود؛ به عنوان مثال، وقتی تقصیر مشترک بین بزرگسال و یک کودک باشد و دعوا توسط کودک مطرح شود، تقصیر مشترک دفاع محسوب نمی شود (Ibid).

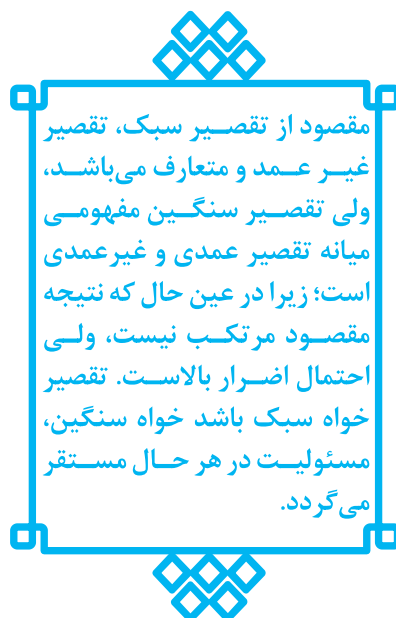


اما مفهوم قانونی تقصیر، یک معیار ساختگی رفتار را ملاک قرار می‌دهد. اشخاصی که فعالیت‌های خطرناک انجام می‌دهند ممکن است به لحاظ اخلاقی تقصیر نداشته باشند؛ چون هیچ میزان و حدی از مراقبت و توجه نیز نمی‌تواند فعالیت‌های آنها را برای جامعه اطمینان بخش نماید؛ بنابراین چنین اشخاصی باید مسئول خسارتی باشند که بر اثر فعالیت آنها به وجود می‌آید، لذا مسئولیت آنها متکی بر تقصیر قانونی است (عباسلو، ۱۳۹۰: ۲۷).

در نظام حقوقی ایران در خصوص موضوع نقش تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی، بین مواد قانونی از یک طرف و حقوقدانان از طرف دیگر، اختلاف نظر وجود دارد. در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، اثبات تقصیر مؤثر در تحقق مسئولیت مدنی تلقی شده است. به موجب این ماده: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر استوار شده است و تنها تقصیر شرط ایجاد مسئولیت است. با این طرز تلقی، قواعد اتلاف موضوع ماده ۳۲۸ قانون مدنی نسخ شده محسوب می‌گردد. اما به دلایل ذیل‌الذکر این طرز تفکر باطل بوده و قانون‌گذار نخواست به وضع ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی تقصیر را مبنای

میزان تقصیر، هر یک از رانندگان به طور مساوی ضامن خسارات وارده هستند.



بدین ترتیب، قواعد و مقررات ما با نظریه تقصیر بیگانه نیست و به عنوان یک معیار مهم در تشخیص میزان مسئولیت از جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوقی ایران برخوردار است.

۴- نقش تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی

به نظر نمی‌رسد که هیچ نظامی منکر نقش مؤثر تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی باشد، ولی باید توجه داشت که جایگاه آن در همه نظام‌های حقوقی یکسان نیست؛ به عنوان مثال در نظام حقوقی انگلیس، مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر استوار شده است. جهت احراز مسئولیت مدنی در اغلب موارد عنصر تقصیر لازم است. تقصیر در کامن‌لا دارای دو مفهوم است: اخلاقی و قانونی، مفهوم اخلاقی تقصیر زمانی مطرح می‌شود که فردی عمداً یا با بی‌احتیاطی به دیگری خسارتی وارد نماید؛

به موجب ماده ۵ کنوانسیون کشورهای اروپایی در مورد مسئولیت مدنی در مقابل خسارات ناشی از حوادث رانندگی، تقصیر مشترک خواننده پذیرفته شده است و تعیین میزان آن در اختیار دادگاه گذاشته شده است.

اگر زیان دیده خود به عنوان فاعل اشتراکی تحت عنوان مباشر اشتراکی در حادثه زیان‌بار دخالت داشته باشد؛ در این صورت تعیین مسئولیت به نسبت تقصیر یا به نسبت میزان تأثیر هر چند در تئوری و نظریه‌پردازی منطقی جلوه می‌نماید، ولی با توجه به اینکه در عمل تشخیص آن مشکل است و واگذار نمودن تعیین آن به کارشناسان یا محاکم به دلیل اینکه معیار دقیقی برای تعیین آن وجود ندارد، امری غیرمقدور و به دلیل اینکه دستخوش نظر شخصی می‌شود، غیرعادلانه خواهد بود؛ بنابراین راه حل حقوق ایران در این مورد؛ یعنی اعمال قاعده تساوی در صورت اشتراک دو سبب یا دو مباشر در ایجاد حادثه زیان‌بار، عادلانه‌تر و منطقی‌تر است. هر چند بنا به نظر مخالف در حقوق ایران، تقسیم مسئولیت باید بر اساس میزان تأثیر هر یک از اسباب صورت بپذیرد؛ مطابق این نظر مسئولیت تضامنی با مبانی حقوق ما سازگاری ندارد و راه‌حلی را که ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی کرده است، ناظر به موردی است که دخالت اسباب به نحو مساوی باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۷۰).

در پاسخ این نظر می‌توان به ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد تضام چند وسیله نقلیه اشاره نمود که به موجب آن صرف نظر از

منحصر مسئولیت قرار دهد و تمام قواعد مخالف آن را نسخ ضمنی نماید؛ اولاً، قواعد اتلاف از نظر موضوع در برابر قانون مسئولیت مدنی خاص می‌باشد؛ زیرا ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قاعده کلی در رابطه با تلف غیرمستقیم مال و همچنین لطمه به جان و سلامت و حیثیت و همه حقوق مالی و معنوی وضع کرده است، در حالی که ماده ۳۲۸ قانون مدنی ناظر به تلف مستقیم مال است و هرگاه تعارض بین قانون خاص قدیم و عام جدید وجود داشته باشد، اصل این است که عام ناسخ خاص نمی‌شود. وانگهی، اگر این احتمال مورد پذیرش قرار گیرد که قانون صرف تلف مستقیم مال دیگری را تقصیر قلمداد کرده است، دیگر تعارضی میان قاعده اتلاف و قانون مسئولیت مدنی قابل تصور نیست و بدین ترتیب، توهّم نسخ ضمنی هم از بین می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۲۲)؛ ثانیاً، در مواد متعدد قانونی مربوط به تحقق مسئولیت مدنی، استناد عرفی فعل به عامل، موجب مسئولیت او محسوب شده و اشاره‌ای به تقصیر یا عدم تقصیر او نشده است که از آن جمله می‌توان به مواد ۳۱۹ تا ۳۲۴ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که مسئولیت مدنی در حقوق ایران مبتنی بر استناد عرفی عمل زیان‌بار به شخص است و تقصیر فقط در تشخیص و احراز این استناد می‌تواند به قاضی کمک نماید (باریکلو، ۱۳۸۹: ۵۹). در نتیجه می‌توان گفت که تقصیر در تحقق مسئولیت مدنی رکن به حساب نمی‌آید، بلکه ضرورت اثبات آن در برخی موارد

به خاطر تقویت و تسهیل احراز رابطه سببیت است؛ پس هنگامی که گفته می‌شود در موارد تسبیب باید تقصیر اثبات گردد، تنها برای احراز سببیت بین فعل ناروای زیان‌بار و ضرر وارده است (داراب پور، ۱۳۸۷: ۱۵).



تقصیر وقتی عمدی است که شخص با سوءنیت و به قصد اضرار به دیگران مرتکب آن شود. به بیان دیگر در تقصیر عمدی، هم عمل ناشایسته به عمد انجام می‌شود و هم نتیجه حاصل از آن کار مقصود مرتکب است. برعکس در تقصیر غیرعمدی، قصد زیان زدن به دیگری وجود ندارد، ولی در نتیجه غفلت و سهل‌انگاری به دیگری ضرر می‌رسد.



نظریه استناد عرفی فعل زیان‌بار به عامل زیان، یکی از چند نظری است که به عنوان مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران معرفی شده است. مطابق این نظریه، استناد عرفی فعل به عامل، موجب مسئولیت وی محسوب شده، خواه مشارالیه مقصر باشد خواه نه. با این وجود، هر چند که در مواد متعدد قانونی، جهت تحقق مسئولیت مدنی اشاره‌ای به تقصیر یا عدم تقصیر نشده است و در مواردی مسئولیت بدون تقصیر هم تحقق می‌یابد، ولی واقعیت این است که مواد ۳۳۱ قانون مدنی؛ و ۱ قانون مسئولیت مدنی؛ که قواعد عام مسئولیت مدنی را بیان می‌دارند، مبتنی بر نظریه تقصیر هستند.

بنابراین می‌توان گفت، در جایی که شرط تحقق مسئولیت مدنی به موجب نص خاصی مورد حکم قرار نگرفته است و مبتنی بر قواعد عام مسئولیت مدنی است، تقصیر نقش اساسی در تحقق مسئولیت مدنی دارد. منتها، همان‌گونه که در ابتدای این مبحث اشاره شد، این تقصیر در بعضی موارد مفروض بوده و اماره مسئولیت را به دنبال دارد و در بعضی دیگر باید ثابت گردد.

با توجه به آنچه بیان شد این نتیجه حاصل می‌گردد که سه نوع مسئولیت در حقوق ایران وجود دارد: مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر، مسئولیت‌های مطلق و مسئولیت‌هایی که تقصیر فاعل زیان در آنها مفروض است.

در مسئولیت‌هایی که تقصیر جزء ارکان مسئولیت تلقی می‌شود، تقصیر در تحقق مسئولیت نقش اساسی دارد. البته تقصیر باید توسط زیان‌دیده اثبات شود و زیان‌دیده باید ثابت کند که بین خسارت وارده و تقصیر فاعل زیان رابطه سببیت عرفی وجود دارد. البته در الزامات خارج از قرارداد و قراردادهای چنانچه تعهد به نتیجه معینی شده باشد و آن نتیجه محقق نشود، متعهد مسئول جبران خسارت قرار می‌گیرد و اثبات اینکه مرتکب تقصیر نشده و یا قوه قاهره تأثیری در مسئول نبودن وی نخواهد داشت. در مسئولیت‌های مطلق (نظیر اتلاف و مسئولیت دارنده اتومبیل) که تقصیر شرط تحقق مسئولیت نیست، زیان‌دیده نیازی به اثبات تقصیر فاعل زیان ندارد؛ برای مثال در اتلاف، صرف وجود رابطه علیت عرفی بین فعل زیان‌بار و تلف مال برای تحقق مسئولیت کافی است؛ البته چنانچه انتساب فعلی



اختصاصی وی دچار عیب شده و در نتیجه این عیب حادثه‌ای رخ دهد و موجب خسارت گردد، ولی این حادثه به جای دیگر سرایت ننماید، هر چند مشارالیه از جنبه اقتصادی خسارت دیده است، ولی به لحاظ حقوقی این ضرر، خسارت محسوب نمی‌شود.

باز گفته شده: «تقلیل دارایی وقتی خسارت محسوب است که برخلاف میل و اراده مالک دارایی صورت گیرد؛ چه تقلیل دارایی با رضایت مالک خسارت نبوده بلکه بر حسب مورد خرج و یا مصرف و یا انتقال است» (امیری قائم مقامی، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

معنا و مفهوم حقوقی خسارت به معنای عرفی آن نزدیک است، چنانچه در عرف نیز هر جا مالی تلف شود یا خسارتی به جسم یا روح شخصی وارد آید یا نفعی که احتمال به دست آوردن آن می‌رفته از دست رود، می‌گویند خسارت وارد شده است.

به طور کلی، شیوه جبران خسارت به دو صورت اعاده به وضع سابق و جبران خسارت از طریق دادن معادل انجام می‌شود؛ یعنی چنانچه از طریق نخست ممکن نباشد از طریق دادن مثل یا قیمت انجام می‌شود؛ اما واقعیت این است دادگاه‌ها در عمل، چنانچه دعوایی مطرح گردد، رأی به دادن قیمت می‌دهند و تمایل ندارند از سایر شیوه‌های جبران بحثی به میان آورند (داراب پور، ۱۳۸۷: ۲۹۶).

پولی که دادگاه میزان آن را تعیین می‌کند، باید متناسب با ضرری باشد که به خواهان وارد شده است؛ نه درجه تقصیر؛ زیرا چه بسا تقصیری کوچک، خسارتی بزرگ به بار می‌آورد. قانون

البته در این موارد می‌توان خلاف فرض قانون‌گذار را اثبات کرد و از مسئولیت مبری شد. از جمله این موارد مسئولیت کارفرما نسبت به خساراتی است که از سوی کارگران او به اشخاص ثالث وارد می‌شود. ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی در این باره مقرر داشته است که هرگاه محرز شود که کارفرما تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل می‌آورد باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نبود، از مسئولیت معاف می‌شود (امینی و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۷).

۵- نقش تقصیر در جبران خسارت زیان‌دیده

در اصطلاح حقوقی، خسارت و ضرر و زیان به یک معنی به کار رفته است، ولی تعریفی از آن در قانون دیده نمی‌شود. برخی از حقوق‌دانان در مقام تعریف آن آورده‌اند: «هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت شخص لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرر به بار آمده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۸). همچنین در تعریف خسارت بیان شده: «ضرر عبارت از هر کاستی و نقصانی است که در مال و حقوق مالی یا جسم یا حیثیت و شهرت یا عواطف شخص به‌طور ناروا و ناخواسته، از طرف دیگری وارد شود» (باریکلو، ۱۳۸۹: ۶۲).

مطابق این تعریف، برای اینکه از نظر حقوقی ضرر و زیان حاصله خسارت محسوب شود، باید توسط دیگری به شخص وارد شده باشد. بدین ترتیب، هرگاه بر اثر عدم مراقبت و مواظبت مالک آپارتمان، تأسیسات قسمت

که موجب تلف شده است به اتلاف کننده مورد تردید باشد یا بر اثر اکراه و اجبار دیگری یا قوه قاهره اتلاف صورت گرفته باشد از لحاظ عرفی، اتلاف کننده را نمی‌توان مسئول دانست؛ زیرا بین عمل او و تلف مال رابطه علیت ایجاد نمی‌شود. در این موارد چنانچه اتلاف کننده مقصر باشد، زیان‌دیده با اثبات تقصیر او می‌تواند جبران خسارت وارده را مطالبه کند.

در واقع، اثر تقصیر در مسئولیت‌های مطلق که تقصیر جزء ارکان مسئولیت تلقی نمی‌شود، این است که زیان‌دیده راه دیگری برای اقامه دعوا و مطالبه خسارت می‌یابد. گاهی تقصیر یک شخص باعث از بین رفتن مسئولیت فاعل زیان می‌شود که مثال آن ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی بوده، بر این اساس، صغیر یا مجنون یا غیر رشید را در صورت ورود ضرر ضامن می‌داند؛ اما حسب ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی چنانچه سرپرست یا محافظ صغیر غیرممیز و مجنون در نگهداری آنها کوتاهی کرده و مرتکب تقصیر شود، مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. در واقع مسئولیت مبتنی بر تقصیر در این مورد بر مسئولیت مطلق، مقدم شده است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۵۱). در مورد دارنده اتومبیل نیز با اینکه مسئولیت مطلق است، اما در صورت تصادم دو اتومبیل و مقصر بودن یکی از آنها تمام خسارت بر عهده او قرار می‌گیرد.

در موارد خاصی قانون‌گذار جهت حمایت از زیان‌دیده، او را از اثبات تقصیر معاف کرده است و یک اماره قانونی به نفع زیان‌دیده به وجود آورده است.

مسئولیت مدنی در ماده ۴ این قانون که از قانون تعهدات سوئیس اتخاذ شده است، به قاضی اجازه داده است تا در مواردی از اصل جبران کامل خسارت تخطی کند که بند دوم این ماده اثر استثنایی درجه تقصیر را مدنظر قرار داده است و بیان کرده است هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلی بوده که عرفاً قابل اغماض می‌باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگ‌دستی وارد کننده زیان شود، دادگاه می‌تواند خسارت را تخفیف دهد. در این مورد عدالت اقتضا دارد که شدت تقصیر را در تحمیل میزان خسارت لحاظ کنیم و میزان خسارت را تخفیف دهیم (صفایی، ۱۳۸۹: ۳۳۱).

برآمد

۱- مبنای تقصیر، بنیان اصلی در شکل‌گیری مباحث مسئولیت مدنی است که در کنار آن قواعد خاص دیگری نیز ایجاد شده است. صرف‌نظر از نقش تقصیر به عنوان ضابطه اصلی مسئولیت، باید توجه داشت که درک مفهوم تقصیر به طور یکسان نیست. برخی تقصیر را با ملاک شخصی و ذهنی درک می‌کنند و گروهی دیگر این ضابطه را با معیارهای نوعی و عینی قابل ادراک می‌دانند.

۲- در حقوق ایران علی‌الاصول درجه تقصیر در میزان مسئولیت بی‌تأثیر است، ولی این بدان معنا نیست که حقوق ما به کلی نسبت به این مسئله بی‌اعتناست؛ زیرا در مواردی درجه تقصیر در میزان خسارت مؤثر دانسته شده است؛ به عنوان مثال بند دو ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی به دادگاه اجازه داده است تا در صورتی که وقوع خسارت ناشی از غفلت قابل اغماض بوده و جبران آن موجب تنگ‌دستی زیان زننده باشد، در میزان خسارت تخفیف دهد و یا مطابق ماده ۳۹۱ قانون تجارت هرگاه مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود، دیگر بر متصدی حمل و نقل دعوا پذیرفته نخواهد شد، مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده (سنگین) که دعوا علیه مشارالیه پذیرفته می‌شود.

۳- به طور کلی، سه نوع مسئولیت در حقوق ایران وجود دارد: مسئولیت‌های مبتنی بر تقصیر، مسئولیت‌های مطلق و مسئولیت‌هایی که تقصیر فاعل زیان در آنها مفروض است. با این توضیح که در مسئولیت‌هایی که تقصیر جزء ارکان مسئولیت تلقی می‌شود، تقصیر در تحقق مسئولیت نقش اساسی دارد. البته تقصیر باید توسط زیان‌دیده اثبات شود و زیان‌دیده باید ثابت کند که بین خسارت وارده و تقصیر فاعل زیان رابطه سببیت عرفی وجود دارد. در مسئولیت‌های مطلق؛ نظیر اتلاف و مسئولیت دارنده اتومبیل که تقصیر شرط تحقق مسئولیت نیست، زیان‌دیده نیازی به اثبات تقصیر فاعل زیان ندارد. در موارد خاصی قانون‌گذار جهت حمایت از زیان‌دیده، او را از اثبات تقصیر معاف کرده است و یک اماره قانونی به نفع زیان‌دیده به وجود آورده است. البته در این موارد می‌توان خلاف فرض قانون‌گذار را اثبات کرد و از مسئولیت مبری شد.

فهرست منابع

- ۱- امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵
- ۲- امینی، عیسی و محمدی‌نژاد، سمیرا، نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق کامن‌لا، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱
- ۳- باریکلو، علی‌رضا، مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹
- ۴- حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹
- ۵- داراب پور، مهرباب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، پرداخت خسارت، استرداد عین و امتیازات، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۷
- ۶- ره‌پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۰
- ۷- صفایی، سید حسین، مسئولیت مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹
- ۸- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰
- ۹- عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰
- ۱۰- قاسم‌زاده، سید مرتضی، مبنای مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵
- ۱۱- قاسم‌زاده، سید مرتضی، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، غصب و استیفاء، دوره دو جلدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
- 13- Harpwood, V. 2004, *Modern Tort Law*, London: Routledge-Cavendish
- 14- Prosser, William, 1971, *The Law of Torts*, U.S.A: West Publishing Company